

عنوان مقاله:

بررسی ارزیابی اسپینوزا از اراده آزاد دکارت

محل انتشار:

دوفصلنامه شناخت، دوره 11، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

سیدمصطفی شهرآیینی - دانشیار و مدیر گروه فلسفه دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز

مینا ذوالقدر - دانشجوی دکترای دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

در تاریخ فلسفه ها می خوانیم که نظریه ضرورت در کانون اندیشه اسپینوزا، و نظریه آزادی اراده در قلب نظام دکارت جای دارد. اسپینوزا خدا را علت خود و علت داخلی می داند، اراده را از خدا و انسان نفی می کند، اختیار را منحصر در ضرورت آزاد می داند و به ضرورت انتشای عالم از خداوند تصریح می کند؛ تا جایی که به نظر می رسد خط فکری خود را کاملاً از دکارت جدا کرده است. از مهم ترین نقدهای اسپینوزا بر دکارت، انتقاد از دیدگاه او درباره اراده آزاد است. اما باین همه، برخی دکارت شناسان دیدگاه اسپینوزا را در باب ضرورت، هم چون رشد طبیعی فلسفه دکارت می بینند و برآنند که نقد اسپینوزا بر نظریه دکارت درباره اراده آزاد، ارتباط چندانی به ادعای اصلی دکارت ندارد تا جایی که اگر مفهوم دکارت درباره آزادی به درستی تقریر شود، دیدگاه اسپینوزا بیش از آن چه خود می پنداشت، به موضع دکارت نزدیک است. در این مقاله می خواهیم نشان دهیم که به رغم انتقادات اسپینوزا بر نظریه اراده آزاد دکارت، دکارت آن گاه که سخن از بالاترین درجه آزادی به میان می آورد، هم بستگی ضرورت و آزادی را هم چون اسپینوزا نشان می دهد و در این مرحله از آزادی، او نیز میان فاهمه (عقل) و اراده هیچ تمایزی قائل نمی شود؛ بنا بر این، با توجه به آن چه دکارت در همه آثارش درباره اراده و اختیار می گوید، انتقاد اسپینوزا بر دکارت مبنی بر قول او به اراده مطلق و آزاد، پذیرفتنی نیست.

کلمات کلیدی:

آزادی اراده - اراده - ضرورت - تفویض گرایي. عقل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1269402>

